

## نقد پژوهش هربرت بوسه درباره یونس علیه السلام\*

حسن رضایی هفتادر\*\* و وحید عمولر\*\*\*

### چکیده

پژوهش حاضر، به معرفی و نقد مدخل «یونس» (Jonah) در دائرة المعارف قرآن (E Q) از هربرت بوسه (Heribert Busse) می‌پردازد. نویسنده مقاله، موضوع حضرت یونس علیه السلام در قرآن، زندگی نامه و خشم یونس و گرفتار شدن وی در شکم ماهی و نجات از آن را بررسی کرده است. نویسنده برای نگارش مطالب پیش گفته، به قرآن، روایات اسلامی و کتاب مقدس مراجعه کرده است. برخورد گزینشی با منابع و روایات اسلامی، خلط در انتساب اقوال کتاب مقدس و قرآن و بی‌توجهی به عصمت انبیا، از جمله نقاط ضعف پژوهش نویسنده به شمار می‌آید که در نوشتار حاضر به نقد کشیده شده است.

کلید واژگان: قرآن، هربرت بوسه، یونس علیه السلام، عصمت انبیا.

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۱ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۱۱/۵.

\*\* دانشیار پردیس فارابی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول): hrezaii@ut.ac.ir

\*\*\* کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث: vahidamolar@yahoo.com

## مقدمه

سال‌هاست که خاورشناسان، به پژوهش درباره اسلام و قرآن روی آورده‌اند. آشنایی با تحقیقات آنان و نقد دیدگاه‌هایشان ضرورتی انکارناپذیر است؛ زیرا از یک سو، در پس نگارش برخی از آثار خاورشناسان، اهدافی استعماری و تبشیری نهفته است و از سوی دیگر، ناآشنایی یا احاطه اندک آنان به مبانی و منابع اسلامی، موجب بروز برخی از نسبت‌های ناروا در تحقیقاتشان نسبت به معارف و شخصیت‌های قرآنی و اسلامی شده است. لزوم شناخت صحیح اسلام‌پژوهی و تحقیقات قرآنی در غرب، آن‌گاه دوچندان می‌شود که به یاد آوریم دانشمندان مسلمان در گذشته، همواره خود را به پاسخ‌گویی انتقادات و اعتراض‌های یهود و نصاری ملزم می‌دانستند؛ چنان که امامان بزرگوار شیعه از جمله امام صادق (علیه السلام) و امام رضا (علیه السلام) از پیشگامان مناظره با مخالفان اسلام و پیروان دیگر ادیان بودند. آنان با حضور در مجالس مناظره، شبهه‌ها و پرسش‌های اهل کتاب و زنادقه را پاسخ می‌گفتند. در این راستا، نگارنده در نوشتار حاضر، تلاش کرده به معرفی و نقد مقاله «یونس (علیه السلام)» در دائرة المعارف قرآن لیدن به قلم هریبرت بوسه بپردازد.

## شناخت‌نامه هریبرت بوسه

برای آشنایی با نویسنده مقاله «یونس (علیه السلام)» در آغاز اطلاعاتی درباره زندگی نامه علمی او عرضه می‌شود.

هریبرت بوسه در سال ۱۹۲۶ م. در شهر دودراشتادت آلمان متولد شد. او به فراگرفتن زبان‌شناسی، تاریخ و جغرافیا در آلمان و انگلستان پرداخت. در سال ۱۹۵۶ م. دکتری خود را در زمینه اسلام‌شناسی از دانشگاه هامبورگ دریافت کرد. وی در خلال سال‌های ۱۹۷۰-۱۹۷۱ م. استاد دانشگاه بوردو فرانسه بود و از سال ۱۹۷۱-۱۹۷۳ م. به عنوان استاد گروه شرق‌شناسی دانشگاه بوخوم آلمان به فعالیت پرداخت. وی این سمت را تا زمان بازنشستگی در سال ۱۹۹۱ م. در دانشگاه کیل آلمان دارا بود.

از مهم‌ترین زمینه‌های پژوهشی بوسه تاریخ و فرهنگ اسلامی، رابطه اسلام و مسیحیت، حکمرانان در قرآن، جهان اسلام در قرون وسطی و پس از آن، سرگذشت عیسی در قرآن و معنای کعبه در کتاب مقدس می‌باشد. مهم‌ترین آثار وی در این زمینه بدین قرار است:

- "Antioch and its prophet HabIb ai-Najjar", Jerusalem Studies in Arabic and Islam 24, 2000, pp. 155-179.

(حبيب نجار، پیامبر شهر انطاکیه)

- "Bab hitta: Qur'an 2:58 and the entry into Jerusalem", Jerusalem Studies in Arabic and Islam 22 (1998) pp. 1-17.

(باب حطه، آیه ۵۸ سوره بقره و ماجرای ورود بنی اسرائیل به بیت المقدس)

- "Cain and Abel", Encyclopaedia of the Qur'an, edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden, Brill, 2001, vol. 1, pp. 270-272.

(هابیل و قابیل)

این مقاله توسط حسن رضایی هفتادر به فارسی ترجمه شده و در حال چاپ است.

- "The destruction of the Temple and its reconstruction in the light of Muslim exegesis of Sura 17: 2-8," Jerusalem Studies in Arabic and Islam 20 (1996) pp. 1-17.

(ویرانی و بازسازی معبد هیکل بنا به تفاسیر اسلامی از آیات ۲-۸ سوره اسراء)

- "Dhul-Kifl", Encyclopaedia of the Qur'an, edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden, Brill, 2001, vol. 1, pp. 527-529.

(ذوالکفل علیّه السلام)

این مقاله توسط حسن رضایی هفتادر به فارسی ترجمه شده و در حال چاپ است.

- "Jerusalem", Encyclopaedia of the Qur'an, edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden, New York & Kaln: E.J. Brill, 2003, vol. 3, pp. 2-7.

(بیت المقدس)

- "Jonah", Encyclopaedia of the Qur'an, edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden, New York & Kaln: E.J. Brill, 2003, vol. 3, pp. 52-55.

(یونس علیّه السلام)

- "Lut", Encyclopaedia of the Qur'an, edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden, Brill, 2003, vol. 3, pp.231-233.

(لوط علیّه السلام)

این مقاله توسط حسن رضایی هفتادر به فارسی ترجمه شده و در حال چاپ است.

- "Nimrod", Encyclopaedia of the Qur'an, edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden, Brill, 2003, vol. 3, pp. 539-540.

(نمرود)

- "The tower of David / Mil)rab DawUd: ramarks on the history of a sanctuary in Jerusalem in Christian and Islamic times," Jerusalem Studies in Arabic and Islam 17 (1994) pp. 142-165

(برج یا محراب داوود: تاریخچه ای از یک مکان مقدس در بیت المقدس در دوره های

مسیحی و اسلامی)

- Jerusalem in the story of Muhammad's night journey and ascension, in jsai 14 (1991), 1-40

(بیت المقدس در داستان سفر شبانه محمد و معراج)

Sells, «Ascension», ۱۳۹۱: ۱۲۹-۱۳۰؛

2001: 1/127; Faizer, «expeditions and battles», 2002: 2/152. Tottoli.

«Rass», 2004: 4/353)

### خلاصه ای از مطالب مدخل «یونس علیہ السلام»

هریبرت بوسه با اشاره به اینکه واژه یونس پنج بار در قرآن به کار رفته، می گوید: «آیه ۱۶۳ سوره نساء، او را در فهرست ابراهیم، عیسی و دیگر پیامبرانی جای می دهد که به آنان وحی شده است. در آیات ۸۵ و ۸۶ سوره انعام به همراه زکریا و عیسی در شمار صالحان است. مطابق آیه ۹۸ سوره یونس، قوم او (قوم یونس) تنها کسانی هستند که از عقوبت الهی در امان ماندند؛ زیرا توبه کرده بودند» (Busse, «Jonah», 2003: 3/52-53).

هریبرت بوسه درباره زندگی نامه حضرت یونس علیہ السلام می نویسد: «یونس هنگامی تولد یافت که سال ها از سنین باروری مادرش صدقه گذشته بود. در ابتدای زندگی اش زهد ورزید. سپس با عناق دختر زکریا ابن یوحنا، بازرگان ثروتمند رمله، ازدواج کرد. هنگامی که به پیامبری مبعوث شد، به همراه همسر و دو پسرش به نینوا رفت. او در حین گذشتن از دجله آنها را گم کرد. این پیامبر به هنگام موعظه مردم نینوا سرزنش شد و برای گریز از عقوبتی

که به زودی می‌رسید، شهر را ترک کرد و از تپه‌ای مشرف به شهر به تماشای آنان نشست. سپس سوار کشتی شد، ماهی او را بلعید و به ساحل انداخت و در راه بازگشت به نینوا خانواده‌اش را بازیافت. وقتی دید ساکنان نینوا در شادمانی به سر می‌برند، بقیه عمرش را در آنجا گذراند» (Ibid. 53).

بوسه درباره خشم حضرت یونس (علیه السلام) اظهار می‌دارد: «یونس پیامش را به اهالی نینوا رسانید و هنگامی که مردمان از او پیروی نکردند، خشمگین رهسپار گشت. سوار کشتی شد، ماهی او را بلعید، به ساحل افکنده شد و به نینوا بازگشت. به محض رسیدن، دریافت که در غیاب او ساکنان شهر توبه کرده بودند و عذاب الهی به حال تعلیق درآمده است. پس در آنجا اقامت گزید و بنابر دیگر روایات، همراه با پادشاه نینوا راه زهد و ریاضت را در پیش گرفت؛ پادشاهی که تاج و تخت سلطنت را ترک گفته و آن را به چوپانی سپرده بود که در راه بازگشت یونس به شهر، یاری اش کرده بود» (Ibid) درباره گرفتار شدن حضرت یونس (علیه السلام) در شکم ماهی می‌نویسد: «پدران کلیسا، اقامت سه روزه یونس در شکم ماهی و رستگاری او را پیش درآمد مرگ و رستخیز مسیح می‌دانستند، ولی قرآن مدت اقامت او در شکم ماهی را ذکر نمی‌کند. در روایات اسلامی، این اقامت سه روز بیان گشته، هر چند در ارقام دیگر، از یک روز گرفته تا سی یا چهل روز نیز ذکر شده است» (Ibid. 55).

بوسه در مورد نجات حضرت یونس (علیه السلام) از شکم ماهی اظهار می‌دارد: «هنگامی که یونس نجات یافت، در سایه درختی آرمید و به سوی یکصد هزار تن یا بیشتر فرستاده شد. او به این سبب نجات یافت که در هنگام پریشان حالی دعا کرده بود؛ پس یونس سرمشق مسلمانان پرهیزکار در هنگام اضطرار است» (Ibid. 53-54).

### بررسی مقاله یونس (علیه السلام)

مدخل «یونس (علیه السلام) نکات مثبت و منفی دارد. تنها نقطه قوت مقاله «یونس (علیه السلام) و ارزش‌گذاری مدخل را می‌توان چنین بیان کرد که نویسنده مطالب مربوط به داستان یونس (علیه السلام) را با رویکردی تطبیقی در کتاب مقدس و قرآن بررسی کرده است. این رویکرد تطبیقی، اگرچه کاملاً موفق نبوده، روش مناسبی برای پرداختن به موضوع یادشده است. در مقابل، مدخل «یونس (علیه السلام) از نقاط ضعف مهمی رنج می‌برد که در ادامه می‌آید:

## الف) عملکرد گزینشی

هریبرت بوسه درباره مسائل داستان یونس علیه السلام با عملکردی گزینشی، اقوال مربوط به تفاسیر آیات قرآنی را آورده و آنها را در جهت مطلوب خود مصادره کرده است. برای مثال، می‌نویسد: بر اساس روایات اسلامی خشم یونس علیه السلام نسبت به دستور شاه حزقیا بود که او را مأمور به انجام کاری نمود (Busse, «Jonah», 2003: 3/54). تا جایی که بررسی شد، تنها منبعی که این قول را پذیرفته تفسیر سوراآبادی است (سوراآبادی، تفسیر سوراآبادی، ۱۳۸۰: ۳/۱۵۸۰)، اما مفسران دیگر با ارائه دلایل فراوان قول پیش گفته را نپذیرفته‌اند (ابن جوزی، زادالمسیر، ۱۴۲۲: ۳/۲۱۰؛ آلوسی، روح المعانی، ۱۴۱۵: ۹/۸۰).

## ب) خلط و عدم تفکیک در انتساب اقوال

هریبرت بوسه در مقاله یونس علیه السلام قوی را به کتاب مقدس نسبت می‌دهد که در اصل متعلق به قرآن یا روایات اسلامی است و از سوی دیگر، نظر کتاب مقدس را به قرآن و روایات اسلامی منتسب می‌کند.

## ج) تسامح در تحلیل گزارش‌های قرآن و کتاب مقدس

هریبرت بوسه درباره خروج حضرت یونس علیه السلام از میان قومش، بین روایت قرآن و نقل کتاب مقدس ادعای همسانی می‌کند و آنها را دارای اختلاف جزئی می‌داند (Busse, «Jonah», 2003: 3/53). در صورتی که بنابر گزارش کتاب مقدس، حضرت یونس علیه السلام از پذیرش امر الهی سر باز می‌زند و می‌گریزد (انجیل برنابا، ۱۳۷۹: ۳/۶۳)، اما مطابق نقل قرآن، بعد از دعوت قومش و پس از عصیان آنها و قطعی شدن عذاب الهی از بین قوم خارج می‌شود (انبیاء/ ۸۷ - ۸۸). تنها شباهت دو داستان در این زمینه، اصل خروج از بین قوم است. این دو روایت، تفاوت اصولی با یکدیگر دارند، به طوری که روایت کتاب مقدس از نافرمانی پیامبر خدا حکایت می‌کند، روایت قرآنی چنین دلالتی ندارد.

آنچه در این قسمت یاد شد، ایرادهایی است که به طور کلی بر مقاله «یونس علیه السلام» وارد است، اما در این مدخل، مطالبی به چشم می‌خورند که جای تأمل بسیار دارند. مهم‌ترین آنها در ذیل بیان می‌شود:

## ۱. سرپیچی از مأموریت الهی

هریبرت بوسه سرپیچی از مأموریت الهی را به حضرت یونس علیه السلام نسبت می‌دهد و می‌نویسد: «یونس یا همان ذوالنون، از مأموریت الهی سر پیچید و خشمگین گریخت» (Busse, «Jonah», 2003: 3/53).

### بررسی

نویسنده در مقام بیان مشابهت قرآن و کتاب مقدس است و سرپیچی از مأموریت الهی را به عنوان مثالی برای این مشابهت نقل می‌کند، حال آنکه چنین دلالتی در قرآن کریم در این باره وجود ندارد و مطلب مذکور، دقیقاً مطابق با داستان زندگی حضرت یونس علیه السلام بر مبنای نقل انجیل برنابا است (انجیل برنابا، ۱۳۷۹: ۶۳/۳).

در قرآن خروج همراه با خشم به حضرت یونس علیه السلام نسبت داده شده است: ﴿وَدَا التَّنُونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا﴾ (انبیاء/ ۸۷)؛ «و ذالتنون [یونس] را (به یاد آور) در آن هنگام که خشمگین (از میان قوم خود) رفت»، ﴿إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ﴾ (صافات/ ۱۴۰)؛ «به خاطر بیاور زمانی را که به سوی کشتی پر (از جمعیت و بار) فرار کرد». تفاوت این آیات با آنچه در کتاب مقدس درباره موضوع یادشده آمده، در این است که در انجیل برنابا، یونس علیه السلام از پذیرش مأموریت الهی سر باز می‌زند (انجیل برنابا، ۱۳۷۹: ۶۳/۳)، اما در دیدگاه اسلامی، او بعد از دعوت طولانی قوم خود و عناد و عصیان آنها و به دنبال نزدیک بودن وعده الهی به عذاب قومش از میان آنها خارج می‌شود (ابن جوزی، زادالمسیر، ۱۴۲۲: ۲۰۹/۳؛ آلوسی، روح المعانی، ۱۴۱۵: ۱۲/۱۳۸؛ ثعالبی، جواهرالحسان، ۱۴۱۸: ۴/۹۸؛ الاشقر، قصص التورات و الانجیل، ۱۴۳۲: ۱۸۸؛ قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ۱۳۶۴: ۱۶/۱۲۳؛ نجار، قصص الانبیاء، ۱۴۰۴: ۳۵۶؛ عروسی حویزی، تفسیر نور الثقلین، ۱۴۱۵: ۳/۴۵۴؛ ابن عطیه اندلسی، المحرر الوجیز، ۱۴۲۲: ۳/۱۴۴؛ علم الهدی، تنزیه الانبیاء، بی تا: ۱۰۱؛ برزنجی، ضعیف تاریخ الطبری، بی تا: ۶/۷۹۹).

گفتنی است عصمت انبیاء از گناه و اشتباه، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آنان است (علم الهدی، تنزیه الانبیاء، بی تا: ۵۱؛ فخر رازی، عصمة الانبیاء، بی تا: ۲۶-۲۹؛ حلی، کشف المراد، ۱۳۷۲: ۴۸۸؛ جوادی آملی، سیره پیامبران در قرآن، ۱۳۸۵: ۲۰۶ و ۲۱۳؛ مصباح یزدی، راه و راهنماشناسی، ۱۳۸۳: ۱/۱۵۷). پس حضرت یونس علیه السلام که از انبیاء الهی بوده، از ویژگی عصمت برخوردار است؛ بنابراین، نمی‌توان سرپیچی از مأموریت الهی را به او نسبت داد؛ زیرا این نسبت که گناهی بزرگ به شمار می‌رود، با عصمت انبیا ناسازگار است.

## ۲. تردید در قدرت خداوند

هریبرت بوسه با استناد به آیه ۸۷ سوره انبیاء، از تردید حضرت یونس علیه السلام در قدرت الهی سخن یاد می‌کند و می‌گوید: «مسئله دیگری که پیامدهای کلامی در پی داشت، تردید یونس علیه السلام درباره قدرت مطلق خداوند بود: ﴿فَلَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ﴾ (انبیاء/ ۸۷). این آیه را می‌توان چنین ترجمه کرد: پنداشت که ما هرگز بر او قدرتی نداریم» (Busse, «Jonah», 2003: 3/54).

### بررسی

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، نویسنده تردید در قدرت مطلق خداوند را به حضرت یونس علیه السلام نسبت می‌دهد. شاید بتوان گفت علت این امر، ترجمه نادرست آیه ﴿فَلَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ﴾ (انبیاء/ ۸۷) است. قریب به اتفاق مفسران، فعل «نَقْدِرَ» در آیه را به معنای تضییق و تنگ گرفتن تفسیر نموده‌اند (طوسی، التبیان، بی‌تا: ۷/ ۲۷۴؛ بغوی، معالم التنزیل، ۱۴۲۰: ۳/ ۳۱۵؛ ثعلبی نیشابوری، الکشف و البیان، ۱۴۲۲: ۶/ ۳۰۳-۳۰۲؛ ابن قتیبه، غریب القرآن، بی‌تا: ۲۴۶؛ ابن هائم، التبیان فی تفسیر غریب القرآن، ۱۴۲۳: ۲۳۵؛ علم الهدی، تنزیه الانبیاء، بی‌تا: ۹۹؛ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، بی‌تا: ۱/ ۲۰۱؛ فخر رازی، عصمة الانبیاء، بی‌تا: ۱۱۵؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۷/ ۹۷؛ ابن کثیر دمشقی، البدایه و النهایه، بی‌تا: ۱/ ۲۳۳؛ نجار، قصص الانبیاء، ۱۴۰۴: ۳۵۷؛ ثعالبی، جواهر الحسان، ۱۴۱۸: ۴/ ۹۹؛ نیشابوری، إیجاز البیان، ۱۴۱۵: ۲/ ۵۶۴؛ طبری، جامع البیان، ۱۴۱۲: ۱۷/ ۶۱-۶۵؛ قشیری، لطایف الاشارات، بی‌تا: ۲/ ۵۱۹؛ مقاتل، تفسیر مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۳/ ۹۱؛ طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۴/ ۳۱۵؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۳/ ۴۸۵؛ زمخسری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۳/ ۱۳۳؛ آلوسی، روح المعانی، ۱۴۱۵: ۹/ ۸۰). آنان برای اثبات مدعای خویش به آیاتی از قرآن کریم استدلال کرده‌اند که در آن «قدر» در معنای تنگ گرفتن به کار رفته است (طلاق/ ۷؛ رعد/ ۲۶؛ فجر/ ۱۶؛ اسراء/ ۳۰؛ شوری/ ۱۲؛ روم/ ۳۷).

گفتنی است پندار خروج از محدوده قدرت خداوند از ابتدایی‌ترین دین‌داران پذیرفته نیست تا چه رسد به حضرت یونس علیه السلام که از مقام عصمت برخوردار بود. شأن او اجل از این است که بپندارد خداوند توان دست‌یابی به وی را ندارد (شاکرین، عصمت، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ۱۳۸۹: ۹۶؛ یوسفیان، پژوهشی در عصمت معصومان، ۱۳۸۸: ۱۶۴؛ قاسمی، محاسن التاویل، ۱۴۱۸: ۷/



۲۱۸؛ فخر رازی، عصمة الانبياء، بی‌تا: ۱۱۵؛ طوسی، التبیان، بی‌تا: ۲۷۴/۷؛ علم الهدی، تنزیه الانبياء، بی‌تا: ۹۹). به نظر می‌رسد مراجعه نکردن مؤلف به فرهنگ‌های لغت، بی‌توجهی وی به نظریه‌های مفسران مسلمان درباره آیه ۸۷ سوره انبیاء و توجه نکردن او به عصمت انبیاء باعث شده تا وی تردید در قدرت مطلق خداوند را به حضرت یونس (علیه السلام) نسبت دهد.

### ۳. تعویق عذاب

هریبرت بوسه با اشاره به مسئله خشم حضرت یونس (علیه السلام) اظهار می‌دارد: «یونس خشمگین بود؛ زیرا خداوند عذاب نینوا را به تعویق انداخته بود»، (Busse, «Jonah», 2003: 3/53-54).

### بررسی

چنان‌که گذشت، نویسنده تعویق عذاب موعود را دلیل خشم حضرت یونس (علیه السلام) معرفی می‌کند. این مطلب برگرفته از کتاب مقدس است (یوحنا، ۳/ ۱۰؛ ۴/ ۱؛ ۴/ ۴). بنابر نظر مفسران مسلمان، حضرت یونس (علیه السلام) سال‌ها در میان قومش (در سرزمین نینوا در عراق) به دعوت و تبلیغ مشغول بود، ولی هر چه کوشش کرد، ارشادهایش در دل آنها مؤثر نیفتاد؛ لذا خشمگین شد و آن محل را ترک کرد و به سوی دریا رفت (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۲۲/ ۱۷۹؛ میبدی، کشف الاسرار، ۱۳۷۱: ۶/ ۲۹۹؛ ابوالفتوح رازی، روض الجنان، ۱۴۰۸: ۱۳/ ۲۷۰؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۷/ ۹۶؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۳/ ۴۸۶). قلمداد کردن تعویق عذاب قوم به عنوان علت خشم حضرت یونس (علیه السلام) در آثار اسلامی جایگاهی ندارد؛ زیرا انبیا در راه تبلیغ دین و هدایت مردم از هیچ تلاشی فروگذار نکرده‌اند و بعد از اتمام حجت، از خداوند درخواست عذاب می‌کردند. چنین نیست که انبیا آرزوی هلاکت قوم را داشته باشند. اگر قائل شویم که علت خشم حضرت یونس (علیه السلام) تعویق عذاب قوم بوده، مفهومش این است که او بر خداوند خشمگین شده است؛ زیرا کسی که عذاب را فرو می‌فرستد و به تعویق می‌اندازد، خداوند است. دادن چنین نسبتی به حضرت یونس (علیه السلام) را نمی‌توان پذیرفت؛ زیرا وی از انبیای الهی بود که ویژگی عصمت داشت و در همه حال تسلیم اراده خداوند بود. باید گفت که پندار مذکور به حکم عقل محکوم است؛ زیرا هدف از بعثت انبیاء، تعلیم و تزکیه انسان‌هاست. اگر پیامبری این‌گونه از زیر بار وحی شانه خالی کند و از امر الهی خشمگین شود و راه فرار را در پیش بگیرد، اعتماد مردم از وی سلب می‌گردد و هدف که همان تعلیم و تربیت مردم است، حاصل نمی‌شود.

#### ۴. فوریت مأموریت

نویسنده یکی دیگر از دلایل خشم حضرت یونس علیه السلام را فوریت مأموریت او می‌داند و می‌نویسد: «علت خشم یونس فوریت مأموریتش بود: جبرئیل فرشته که حامل دستورها بود، هیچ فرصتی برای آماده شدن و حتی پوشیدن نعلین به یونس نداد. پس یونس خشمگین رفت و به یک کشتی پناه برد. خودداری او از انتقال پیام الهی در واقع گناهی کبیره بود» (Busse, «Jonah», 2003: 3/54).

#### بررسی

مستند نویسنده در بیان علت خشم یونس، روایتی است که در ادامه بیان می‌شود: زمانی که جبرئیل علیه السلام پیام رسالت حضرت یونس علیه السلام را به وی ابلاغ نمود و از جانب خداوند او را مأمور هدایت مردم نینوا قرار داد. حضرت یونس علیه السلام از جبرئیل درخواست مهلت کرد تا برای رفتن به نینوا چهارپایی فراهم کند، اما جبرئیل امین مانع او شد و به او گفت: «مأموریت خیلی فوری است و فرصتی برای این کار وجود ندارد». حضرت یونس علیه السلام که از فراهم کردن چهارپا محروم شد، از جبرئیل درخواست مهلت کرد تا نعلینی بیابد و بپوشد، اما جبرئیل این بار هم مانع او شد و به او اجازه این کار را نداد. یونس هم که فوریت مأموریت را دید، تحمل آن را نداشت و به همین دلیل خشمگین شد و گریخت و از پذیرش و انجام دادن امر الهی سرپیچید (قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ۱۳۶۴: ۱۱ / ۳۳۱).

تأمل در محتوای این روایت، نشان می‌دهد که به مزاح و شوخی نزدیک‌تر است تا به یک نقل تاریخی (حمزه، تاریخ تحلیلی انبیا، ۱۳۹۱: ۱۵۳). مطالعه روایت یادشده انسان را به حیرت می‌آورد؛ زیرا از یک طرف حضرت یونس علیه السلام برای یک امر بدیهی (پوشیدن نعلین) از فرشته وحی سؤال می‌کند؛ چه هر قدر هم مأموریت مهم باشد و هر قدر هم که در کاری تعجیل وجود داشته باشد، دیگر بدیهیات قابل پرسش نیست. از طرف دیگر، پوشیدن کفش باعث هدر رفتن زمان زیادی نمی‌شود که جبرئیل از این کار جلوگیری نکند (سبحانی تبریزی، مفاهیم القرآن، ۱۳۸۴: ۱ / ۲۲۲) با توجه به ایرادهای وارده به متن روایت یادشده و ضعف سند آن، حکم به مجعول بودن روایت مذکور شده است (برزنجی، ضعیف تاریخ الطبری، بی تا: ۶ / ۴۳۲).

نافرمانی از امر الهی از جانب یونس (علیه السلام) گناهی کبیره به شمار می‌شود و سخن هریبرت بوسه به خودی خود درست است، اما آیا این مسئله در عالم خارج واقع شده است؟ بر اساس قرآن، پیامبران برای هدایت و تعلیم قوم خود مبعوث شده‌اند (جمعه / ۲؛ بقره / ۱۲۹؛ آل عمران / ۱۶۴) و در صورت نافرمانی از خداوند، اعتماد مردم از آنها سلب می‌شود و در نتیجه، تعلیمات آنها بی‌اثر می‌گردد. حال اگر انبیا چنین گناهی مرتکب شوند، چگونه می‌توانند راهنمای قوم خود باشند؟

قرآن کریم ساحت انبیا را از لوث گناهان مبرا می‌داند (عسکری، عقائد اسلام، ۱۳۸۸: ۱ / ۳۳۱؛ نساء / ۶۹ و ۸۰)؛ لذا به تبعیت از قرآن کریم، این تفکر که حضرت یونس (علیه السلام) گناه کبیره خودداری از انتقال فرمان الهی را مرتکب شده باشد، در بین مسلمانان جایگاهی ندارد. گفتنی است سرپیچی وی از انتقال فرمان الهی به مردم برای هدایت آنان، مبتنی بر کتاب مقدس است (یوحنا، ۱ / ۴-۱؛ انجیل برنابا، ۳ / ۶۳). توجیه آنچه در کتاب مقدس وجود دارد لازم نیست؛ زیرا گناهان کبیره را آشکارا به انبیا نسبت داده است (طباطبایی، تاریخ الانبیاء، ۱۴۲۳: ۲۹۵).

#### ۵. اعتراف یونس (علیه السلام) به گنهکاری خود

هریبرت بوسه با استناد به آیه ۸۷ سوره انبیا می‌گوید: «یونس (علیه السلام) در شکم ماهی توبه کرد و اعتراف نمود که گناهکار بوده است» (Busse, «Jonah», 2003: 3/54).

بررسی

خداوند می‌فرماید: ﴿وَ ذَا التُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ (انبیا / ۸۷)؛ «و ذالنون [یونس] را (به یاد آور) در آن هنگام که خشمگین (از میان قوم خود) رفت و چنین می‌پنداشت که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت، (اما موقعی که در کام نهنگ فرورفت) در آن ظلمت‌ها (ی متراکم) صدا زد: «خداوندا! جز تو معبودی نیست! منزهی تو! من از ستمکاران بودم!».

بی‌شک، تعبیر «مُغَاضِبًا»، اشاره به خشم یونس نسبت به قوم بی‌ایمان است و چنین خشمی در آن دورانی که پیامبر دلسوزی سال‌ها برای هدایت قوم گمراهی زحمت بکشد اما به دعوت خیرخواهانه او هرگز پاسخ مثبت ندهند، کاملاً طبیعی بوده است.

از سوی دیگر، از آنجا که یونس علیه السلام می دانست که به زودی عذاب الهی آنها را فرا خواهد گرفت، ترک گفتن آن شهر و دیار گناهی نبوده، ولی برای پیامبر بزرگی همچون یونس علیه السلام اولی این بود که باز هم تا آخرین لحظه آن را ترک نگوید. به سبب این عجله به عنوان یک ترک اولی از ناحیه خداوند مورد مؤاخذه قرار گرفت (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۳ / ۴۸۸-۴۸۷؛ سبزواری نجفی، ارشاد الازدهان، ۱۴۱۹: ۱ / ۳۳۵؛ ثقفی تهرانی، تفسیر روان جاوید، ۱۳۹۸: ۳ / ۵۷۳)؛ لذا سخن یونس علیه السلام را مبنی بر آنکه «من از ستم کاران بودم» (انبیاء / ۸۷)، اگر حمل بر ظاهر کنیم، در این صورت با توجه به آیه **﴿وَنَادَى أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذْنُ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ﴾** (اعراف / ۴۴) که لعنت خداوند بر ظالمان است، باید حضرت یونس علیه السلام را مستحق لعنت بدانیم، در حالی که این عقیده هیچ مسلمانی نیست (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۲۲ / ۱۸۱). پس ناگزیر از تأویل سخن حضرت یونس علیه السلام هستیم.

عبارت **﴿إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾** (انبیاء / ۸۷) اخبار از ظلم نیست، بلکه حضرت یونس علیه السلام می خواهد از باب تواضع بگوید: من از جنس کسانی هستم که احتمال وقوع ظلم از آنها وجود دارد (علم الهدی، تنزیه الانبیا، ۱۴۳۲: ۱۰۰ و ۱۰۱؛ دخیل، قصص الانبیا، ۱۴۱۹: ۴۶۸).

گفتنی است کاربرد تعبیر «ظالم» درباره معصوم فقط به این مورد ختم نمی شود، بلکه درباره انبیا و اوصیای دیگری نیز به کار رفته است؛ برای مثال، در داستان حضرت آدم علیه السلام و حوا علیها السلام اقرار می کنند که **﴿رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا﴾** (اعراف / ۲۳)؛ «پروردگارا! ما به خویشتن ستم کردیم!» و نیز امیرالمؤمنین علیه السلام در دعای کمیل می فرماید: «ظلمت نفسی». در توضیح فرمایش امیرمؤمنان علیه السلام گفته شده: اولیای خداوند ترک مستحب را ظلم به نفس می شمارند (زمردیان، علی علیه السلام و دعای کمیل، ۱۳۷۶: ۱۶۳؛ علم الهدی، تنزیه الانبیا علیهم السلام، ۱۴۳۲: ۱۰۰-۱۰۱؛ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۴ / ۳۷۴؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۴ / ۶۲۹؛ ابوالفتح رازی، روض الجنان، ۱۴۰۸، ۴ / ۳۷۴).

## نتیجه

بررسی مقاله یونس علیه السلام نشان می‌دهد که این مقاله کاستی‌هایی دارد. بسیاری عملکرد گزینشی نویسنده، بی‌توجهی به مسئله عصمت انبیا و نیز گزارش اقوال ضعیف و استدلال بر پایه آنها، از کاستی‌های مقاله به شمار می‌آیند. برداشت نادرست هریبرت بوسه از برخی از آیات قرآن، باعث شده تا وی اشتباهاتی در مورد پاره‌ای از مطالب مربوط به حضرت یونس علیه السلام مرتکب گردد. همین امر از اعتبار پژوهش او می‌کاهد. به نظر می‌رسد مواردی مانند توجه نکردن به سیاق آیات، دخالت ندادن زمینه‌های نزول آیه، بی‌توجهی به سخن مفسران و صحابه، به ویژه کلام معصومان علیهم السلام، استفاده نکردن از علوم قرآنی در تفسیر آیات (محکم و متشابه، مطلق و مقید، عام و خاص) و...، موجب شده تا خاورشناسانی چون بوسه، برداشت نادرستی از برخی آیات قرآن داشته باشند.

## منابع

۱. قرآن مجید ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۳ش.
۲. انجیل برنابا، ترجمه حیدرقلی سردار کابلی، تهران: نیایش، ۱۳۷۹ش.
۳. کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، و ویلیام گلن و هنری مرتن، تهران: اساطیر، ۱۳۸۰ش
۴. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۵. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق عبدالرزاق المهدی، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۲ق.
۶. ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
۷. ابن قتیبہ، عبدالله بن مسلم، غریب القرآن ابن قتیبہ، بی جا: بی نا، بی تا.
۸. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، البدایہ و النہایہ، بیروت: دار الفکر، بی تا.
۹. ابن ہائم، شہاب الدین احمد بن محمد، التبیان فی تفسیر غریب القرآن، بیروت: دار الغرب الإسلامی، ۱۴۲۳ق.
۱۰. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
۱۱. اشقر، عمر سلیمان، قصص التورات و الانجیل فی ضوء القرآن و السنه، اردن: دار النفائس، ۱۴۳۲ق.
۱۲. برزنجی، محمد بن طاهر، ضعیف تاریخ الطبری، سوریه: دار ابن کثیر، بی تا
۱۳. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۱۴. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.

۱۵. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۱۶. ثقفی تهرانی، محمد، تفسیر روان جاوید، تهران: انتشارات برهان، ۱۳۹۸ق.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله، سیره پیامبران در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۵ش.
۱۸. حلی، حسن بن یوسف مطهر، کشف المراد، ترجمه ابوالحسن شعرانی، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۲ش.
۱۹. حمزه، حسین، تاریخ تحلیلی انبیا، قم: دار المجتبی، ۱۳۹۱ش.
۲۰. دخیل، علی محمد علی، قصص الانبیاء، بیروت: دار المرتضی، ۱۴۱۹ق.
۲۱. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
۲۲. زمردیان، احمد، علی علیه السلام و دعای کمیل، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۶ش.
۲۳. سبحانی تبریزی، جعفر، مفاهیم القرآن، قم: مؤسسه الامام صادق علیه السلام، ۱۳۸۴ش.
۲۴. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، ارشاد الازهان الی تفسیر القرآن، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۹ق.
۲۵. سور آبادی، عتیق بن محمد، تفسیر سور آبادی، تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۸۰ش.
۲۶. شاکرین، حمید رضا، عصمت، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، تهران: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۹ش.
۲۷. صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تهران: جهان، بی تا.
۲۸. طباطبایی، سید محمد حسین، تاریخ الانبیاء، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۳ق.
۲۹. همو، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۳۱. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل الآی القرآن، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۲ق.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۳. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، قم: اسماعیلیان ۱۴۱۵ق.
۳۴. عسکری، سیدمرتضی، عقائد اسلام در قرآن کریم، قم: انتشارات دانشکده اصول الدین، ۱۳۸۸ش.

۳۵. علم الهدی، علی بن حسین، تنزیه الانبیاء (علیهم السلام)، قم: دار الشریف الرضی، ۱۴۳۲ق.
۳۶. فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، عصمة الانبياء، بیروت: دار الکتب العلمیه، بی تا.
۳۷. همو، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۳۸. قاسمی، جمال الدین، محاسن التاویل، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق
۳۹. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش
۴۰. قشیری، عبدالکریم بن هوازن، لطایف الاشارات، مصر: هیئة المصریة العامه للکتاب، بی تا.
۴۱. کریمی نیا، مرتضی، کتاب شناسی مطالعات قرآنی در زبان های اروپایی، قم: مؤسسه فرهنگی ترجمان وحی، ۱۳۹۱ش.
۴۲. مصباح یزدی، محمد تقی، راه و راهنماشناسی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۳ش.
۴۳. مقاتل بن سلیمان بلخی، تفسیر مقاتل بن سلیمان، تحقیق عبدالله محمود شحاته، بیروت: دار احیاء التراث، ۱۴۲۳ق.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۴۵. میبیدی، رشید الدین، کشف الاسرار و عده الابرار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱ش.
۴۶. نجّار، عبدالوهاب، قصص الانبياء، قم: مؤسسه دین و دانش، ۱۴۰۴ق.
۴۷. نیشابوری، محمود بن ابوالحسن، إيجازالبيان عن معاني القرآن، تحقیق دکتر حنیف بن حسن القاسمی، بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
۴۸. یوسفیان، حسن و احمدحسین شریفی، پژوهشی در عصمت معصومان، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه معاصر، ۱۳۸۸ش.
49. Busse, Heribert, «Jonah», Encyclopaedia of the Quran, Leiden: Brill, 2003.
50. Faizer, Rizwi, «expeditions and battles», Encyclopaedia of the Qurān, Leiden: Brill, 2002.
51. Sells, Michael, «Ascension», Encyclopaedia of the Qurān, Leiden: Brill, 2001.
52. Tottoli, Roberto, «Rass», Encyclopaedia of the Qurān, Leiden: Brill, 2004.